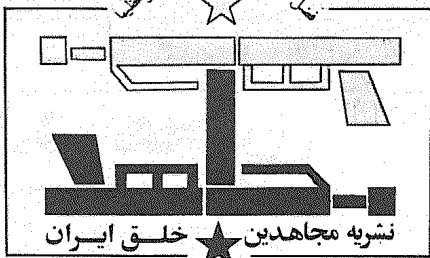


### مسئول خودسریهای رادیو کیست؟

مسئول خودسریهای رادیو کیست؟ براساسی در داخل سازمان رادیوتلوویزیون چه میگذرد؟  
سخنگوی مجاهدین در رابطه با دعوت مجدد رادیو از مجاهدین برای منظره رادیویی که با نهایت فرصتطلبی و سببانی سه روز پیاپی با زخم صورت میگردید، گفت.  
اولاً - رادیو هرگز تا کنون حاضر نشده است که جوابی به مجاهدین را در برابر سببانیهای شیفتبار داروستی میبخشد که مسئول این کارهاست قرائت کند، خدا این که ما مجبور شدیم، توار رادیویی جوابی را که توسط برادر مجاهدان مسعود رجوی ارسال بقیده رصفحه ۲



سال اول - شماره ۹۲ - پنجشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۰ ریال

### سالروز اجرای قانون خلع یداز

#### شرکت استعماری نفت

بیست و نهم خرداد سال ۱۳۳۰، با پانزین گشده شدن تابلوهای شرکت استعماری نفت ایران و انگلیس، از سر در تا سیاست نفتی آبادان، اولین اقدامات عملی برای اجرای قانون خلع ید (مصوبه نهم اردیبهشت سال ۱۳۳۰) آغاز گردید. هیأت مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران، که در میان شور و استقبال بی نظیر مردم ستمدیده و به خصوص کارگران زحمتکش نفت وارد آبادان شده بودند، عملاً "جای رؤسای شرکت سابق را گرفتند و بر امر تولید بقیده رصفحه ۲

## شریعتی، شهید در هجرت

در آذر ماه سال ۱۳۱۲، بر کناره کوی، در یکی از دهات توابع موزینان به نام "کاهک" بدنیا آمد. "کوی" این تاریخی که در صورت جغرافیا ظاهر شده است، این عظمت بی کرانهی رموزی که نوید و خاوش، خود را، به تسلیم، پهن بر خاک افکنده است... آنجا که همواره طوفان خیز است و همواره آرام... کودک ساده و کنجکاو روستایی را در دل خود پرورید.

در آذر ماه سال ۱۳۱۲، بر کناره کوی، در یکی از دهات توابع موزینان به نام "کاهک" بدنیا آمد. "کوی" این تاریخی که در صورت جغرافیا ظاهر شده است، این عظمت بی کرانهی رموزی که نوید و خاوش، خود را، به تسلیم، پهن بر خاک افکنده است... آنجا که همواره طوفان خیز است و همواره آرام... کودک ساده و کنجکاو روستایی را در دل خود پرورید.

در آذر ماه سال ۱۳۱۲، بر کناره کوی، در یکی از دهات توابع موزینان به نام "کاهک" بدنیا آمد. "کوی" این تاریخی که در صورت جغرافیا ظاهر شده است، این عظمت بی کرانهی رموزی که نوید و خاوش، خود را، به تسلیم، پهن بر خاک افکنده است... آنجا که همواره طوفان خیز است و همواره آرام... کودک ساده و کنجکاو روستایی را در دل خود پرورید.

### اطلاعیی مجاهدین خلق ایران

#### درباره

## عوامل اصلی حماقداری

مجاهدین خلق ایران یکی از احزاب مشهور کشور را بعنوان یکی از چشمه های اصلی حماقداری معرفی نموده و حاضرند مدارک خود را در یک برنامه رادیو تلویزیونی به عرض ملت ایران برسانند.

بنام خدا  
بنام خلق قهرمان ایران

چنانکه عموم مردم قهرمان ایران می دانند مذهب است که جامعیت را از یک پدیده مسومی بنام حماقداری رنج می برد. این پدیده زاینهار ضدانقلابی که دقیقاً مثل نظم آراشی و ایمنی سیاسی و اجتماعی است نه تنها به هیچ قانون و مقرراتی پایبند نیست بلکه پیوسته بصورت هموار کننده راه ساواک و ایادی استعمار نیز عمل نموده و با مخفیاتی بی شمار دست درخون رشیدترین افراد این مینهن فرو برده است. بحفاظت عقیدتی نیز در مسومیت ضداسلامی و ضدانقلابی این پدیده همین بس که پیوسته با عمل کردن در زیر نقاب ریاکارانه اسلام پناهی گاذب، نام مطهر اسلام و حزب خدا را مخدوش و لگداز ساخته است.

از سوی دیگر اخیراً برخی مسئولان رسمی وزارت کشور و همچنین نمایندگان مجلس بر ضرورت ریشه یابی و معرفی عوامل این فجایع تأکید نموده و حتی فرزند امام نیز عاملان مزبور را خائنین به انقلاب و اسلام خواند.

از این رو مجاهدین خلق ایران با تعهد خونبار نسبت به ادامه ارتقا انقلاب راهمی بخش ضدامپریالیستی و اسلامیان مذهب است که برخی سرچشمه های این حوادث را شناسایی و پیوسته تقاضای دادگاه علمی و برنامه رادیوتلوویزیونی برای افشاء آنها نموده اند. علیحده ما اکنون بازمه بدنبال آخرین شهادتها و جراحتهایی که از این بابت به ما و تمام خلق رسیده است، ضمن تأکید بر تقاضای فوق اعلام می کنیم که یکی از سرچشمه های اصلی این وقایع مذموم و ناپسند یکی از احزاب مشهور کشور است و مجاهدین خلق ایران برای افشاء رادیوتلوویزیونی اطلاعات خود در این باره، گنگان آماده اند. بدیهی است ما از تمام شخصیتها و نیروها و احزاب و مقامات مسئول کشور که فی الواقع خواستار خاتمه بخشیدن به این فضاها و حفظ حرمت اسلام و انقلاب هستند، انتظار حمایت از این تقاضای قانونی و اسلامی را داریم.

مجاهدین خلق ایران  
۲۷ خرداد ۵۹

## دیدار برادر مجاهد موسی خیابانی بایکی از مجروحین جریان حمله

### به انجمن میثاق

روز شنبه ۵۹/۳/۲۴ برادر مجاهد موسی خیابانی به دیدار برادر منصور احمدی که در جریان حمله عناصر حماقدار و کمیته های ۳۳ بدست، به انجمن میثاق از ناحیهی لگن خاصره مورد اصابت گلوله قرار گرفته، به بیمارستان آبان رفت، و لحظاتی چند با این برادر مجروح به گفتگو نشست. برادر منصور در پاسخ سؤال برادرزاده موسی در مورد محل برخوردگی گفت: تیر از ناحیهی ران وارد شده و از لگن وارد شده که استخوان ران و لگن را کسند و محل اتصال استخوان ران به لگن هم آسیب دیده است.

برادر مجاهد موسی خیابانی گفت: آنها که به نام انقلاب و اسلام تقاضای می کنند، آبروی انقلاب و اسلام را برده می برند. می دانم امروز روزنامهها را خوانده اید؟ مسئولین امر این جریانها را محکوم کرده اند، حاج احمد آقا خمینی گفتند اینها ضدانقلابند که با گذاشتن نام حزبالله روی خودشان آبروی الله

### اعتراض انجمن میثاق به عدم رسیدگی دادستانی به جریان حمله به این انجمن و دستگیری غیرقانونی افراد آن

کرد، در مورد این مساله که می گفتند محل انجمن میثاق مال کسی است و باید تخلیه شود چه می دانی؟ برادر منصور در جواب گفت: "این دروغ است، هیچکس به عنوان صاحب آنجا شکار نمی کرده بود، اینجا یک پمپ بهترین محبوسه بوده که برای مقادیر وحشی زمانه ادانی تبدیل شده بود و ما با جمع شدن ۱۰ تومان و ۲ تومان جمعا که بعضیها حتی بقیده رصفحه ۲

### گروه های مختلف جریان حمله به مراسم امجدیه را محکوم می کنند

۲۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی حمله به اجتماع امجدیه را محکوم کردند و خواستار مجازات عاملین شدند

مصطفی ذاکری به ضرب گلوله - ۳ منجر شد. موجی از خشم و نفرت در بین مردم آزادای مینهن ۳ بقیده رصفحه ۲

## گزارشی از پاکسازی!! در صنعت نفت

به دنبال تشکیل جلسهی افتخاری شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز در تاریخ ۳/۱۸ که با حضور خبرنگاران مطبوعات داخلی از جمله خبرنگار ما در اهواز تشکیل شد. گزارشی از مطالب عنوان شده حول مسأله پاکسازی و تاریخچهی آن در صنعت نفت ارسال شده که در زیر می خوانید لازم به تذکر است مسأله پاکسازی در ادارات و ارگانهای اجرایی تولیدی که خواست به حق همی کارگران و کارمندان متعهد و پرمی بخصوص خواست نیروهای انقلابی است، متأسفانه به دلیل انحصاری طلبی اکثر مسئولین، در خیلی از موارد به وسوسه های برای متعصب حسابهای گروهی و اخراج عناصر متزنی و مردمی از ارگانهای اجرایی تبدیل شده و بالنتیجه همچنانکه در گزارش شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز آمده است دست اندرکاران تصفیه خود از کسانی هستند که باید تصفیه و پاکسازی می شدند.

آنچه از گزارش شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز بر

## مردم و مجاهدین

نظامی و هواداران را در اختیار سپاه پاسداران قرار می دهد، در برخی از نامها به عملکردهای سپاه در شورشها و مناطق مختلف اشاره کرده اند. و یا از جود ضد مجاهدی که بر سیستم سپاه حاکم است یاد شده خواهری برآیدمان نوشته است. "آیا فراموش کرده اید، در بسیاری از حملات سابقه طلوانی در مبارزهی ضد - اجبرالیستی دارد، چرا کادرهای

## مناسبات بین رهبری

مقاومت و بسیج توده ها، قرار ندهد، هیچ کاری از پیش نخواهد برد. از سوی دیگر فعالیت و استقامت مردم نیز، چنانچه به وسیله رهبرانی که از صلاحیت و شایستگی کافی برخوردار هستند، هدایت نشود، ره به جایی نخواهد برد. در اینجا بین "صلاحیت رهبری" و "استقامت توده ها" رابطهی "شرط و مبنا" برقرار است. (تشریح مفصل این مطلب در عهدهی بحث تاریخ است.)  
فاذا ادت الرعیة الی النوالی بقیده رصفحه ۲

## توده های مردم از دیدگاه علی (ع)

وضع هر یک و به نثر نخستن کوشش - های آن، در ارتباط تکامل و ارگانیک با سامان یافتن و اصلاح وضع دیگری قرار دارد. مطابق این نظرگاه، مقاومت توده ها (ر استقامت الرعیة) پایه و اساس موفقیت و پیروزی و رهبری درصیلاح/صلاح (الولاء) شرط می باشد. توضیح اینکه، یک نظام انقلابی، برای تأمین بقا و رشد خود، باستانی اساساً بر نیروی خلقی توده ها متکی باشد. رهبری هر قدر هم که صلاحیت داشته باشد، اگر میبای سیاستها و موضع گیری های خود را بر



# شریعتی، شهید در هجرت

بقیه از صفحه اول

به تهران منتقل شدند. بین سال‌های ۳۸ تا ۴۳، برای ادامه تحصیل به اروپا سافرت کرد و در عین ادامه تحقیقات در زمینه‌های جامعه‌شناسی و تاریخ‌دیان، به مبارزات خود بر علیه دیکتاتوری شاه ادامه داد. در همان جا با مبارزین آزادی‌خواه و نوشته‌های قانون آشنا گردید و اندیشه مبارزات ضد استعاری کثروهای تحت سلطه در وجودش جان گرفت.

با دنیای بزرگ کرده جهان - اروپا غرب، و فریب و بیگانه بود. در تنهایی و غربت این دنیا، ذهن فعال و پارسا با خاطره خون‌گرفته "کویر" مبین را زنده می‌کرد و در حسرت بیوستن به "نیستانی" که از آن جدا افتاده بود، بی‌ایمان با "کویبریا" بر دردت "زندگی" می‌کرد.

پس از بازگشت به مبین تا سال ۴۸، در دانشگاه مشهد به تدریس مشغول شد. کتاب "اسلام‌شناسی" ترمی درسهایی است که از قبل در اروپا گردآورده بود و اکنون به دانشجویان می‌آموخت.

این دوره با آوارگی و محدودیت روبرو بود. رژیم که از کلام و آموزش - های "معلم" می‌ترسید، دانشمندان را از کار مانع ایجاد می‌کرد و عقابیت نیز از کار آموزشی او جلوگیری نمود. اما او که نمی‌توانست دوری درس و شاگرد را تحمل کند و نیاز به مقام رسمی استادی و جواز کار در دانشگاه نداشت، کوله بارش را برداشت و به تهران آمد و حسینی‌ارشد را به کانون جمع و آموزش شاگردان و شیفتگانش بدل ساخت. سزودی سلسله دروس و سخنرانی‌های او آن حیات در میان جوانان تحصیل کرده و معتمد با باز کرد که معلم و اندیشمندان را به صورت یک جریان در جامعه مطرح ساخت.

کار او در حسینه هم‌زمان بود با آغاز روند جنبش مسلحانه‌ی چریکی در ایران. حماسه آفرینی جوانان جان برکفی که هر کوی و برزخ، زندان و شکنجه‌گاه و میدان تیر را به صحنه تیرد خونی و قهرآمیز بر علیه رژیم مزدور شاه شریعتی در مورد اسلام و انسان و تمدن و ... نمودی عینی اجتماعی ارائه می‌داد و کلام و درس را طموس و مقبر می‌کرد. او شیفته این جوانان بود و پیام‌ها و دیدگاه‌ها را در هر کلاس و سخنرانی سر می‌داد. به همین دلیل حسینی‌ارشد، در زمان او، یکی از بزرگترین کانون‌های حامی جنبش مسلحانه و در رأس آن سازمان مجاهدین خلق بود، و بسیاری از شاگردان شریعتی بعدها به سازمان پیوستند و در راه اهداف آن جان

بایه‌گذاری کردند. شهرهای "قوی سید" و "معم زندان" محصول این دورانند.

فعالیت‌های اجتماعی دکتر به صورت سخنرانی‌ها، درس‌ها و کنفرانس‌ها، در انجمن اسلامی دانشرا آغاز گشت. جزوات تنظیم شده و "علم اخلاق" از کارهای این دوره است.

حدود سال‌های ۲۴ - ۲۳ نهضت "خداپرستان سوسیالیست" گرایش پیدا کرد و در همین سال‌ها کتاب "بوذر خدای پرست سوسیالیست" نوشته "جوده‌السماع" را ترجمه و تنظیم نمود. بعدها، نیروهای ارتجاعی، نه از زبان ابوذر بلکه از زبان "استالین" و "رجیل" و "روزولت" سخن گفته است!

ترجمی این کتاب، نقطه آغاز زندگی راستین دکتر شریعتی بود، و او را از خادم عرفان نیایانه و غزل - گرایانای که به سمت افکار فلسفی و متزیلیک و صادق هدایت سوق می‌داد، نجات بخشید. خود بعدها گفت که با دو پال "ابوذر" و "مولوی" از این مرگ نجات یافته است.

در سال ۱۳۳۳، به بهمت پدرش، استاد محمد تقی شریعتی، مرکزی به نام "کانون نشر حقایق اسلامی"، برای مبارزه با پیروهای ارتجاعی که بر اسلام بستناده، در مشهد تاسیس شد و دکتر در آن به فعالیت پرداخت.

در سال ۱۳۳۵ پس از پیروزی نهضت ملی و نخست‌وزیری دکتر مصدق، به نهضت ملی پیوست. این بار نیز، به تمیز خود او، دو پال "ابوذر" و "مولوی" مانع از سقوط او به جریان‌های ارتجاعی و انحرافی گردید.

این جوان پرشور که اکنون ۱۸ ساله بود، اغلب در تظاهرات خیابانی به حمایت از دکتر مصدق شرکت فعال داشت و در مطبوعات و نشریات "کانون نشر حقایق اسلامی" نیز مقاله نوشت. در عین حال برای تدریس به روستاهای اطراف مشهد رفت و آمد می‌کرد و از نزدیک با توده‌های محروم و زحمتکش برخورد می‌نمود.

درس بیست‌سالگی، تحصیلات متوسطه را در رشته ادبی به پایان رساند و وارد دانشکده ادبیات مشهد شد. پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۲۳ و حاکمیت اختناق و ترور، به "نهضت مقاومت ملی" پیوست و مبارزه‌ی مخفی با رژیم خود کاه را آغاز کرد. اما در مرداد سال ۱۳۳۶، هم‌زمان با نخست‌وزیری قیابال، "نهضت مقاومت ملی" مورد یورش رژیم قرار گرفت و عناصر فعال آن و منجمله دکتر ویدرش دستگیر و

## مسئول خودسریهای رادیو کیست؟

شده بود، در نشریه‌ی مجاهد به چاپ برسانیم. چرا که حضرات از ترس و وحشت از جوابی ما حتی حاضر نشدند به ما هم‌سپاری‌ها لاف‌ها بکنند هم به قرائت آن مبادرت ورزند.

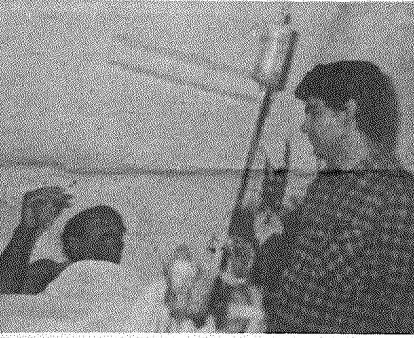
تا آنجا که در تماس مجددی که با آقای دکتر فراچی مدیر عامل رادیو تلویزیون گرفته و ضمن آن آمادگی خود را برای شرکت در بحث می‌خواستیم عنوان کنیم، ایشان مجدداً گفتند که هنوز چنین دعوتی که با اطلاع ایشان صورت گرفته باشد، انجام نشده و ایشان ضمن اعلامیه‌ی گذشته خود تأکید کرده‌اند که هر اعلامیه و دعوت نامهای که به ما باشد، روابط عمومی رادیو تلویزیون نباشد. از جانب صدا و سیما جمهوری نیست و حتی مطبوعات منتشر کنندگی آن قابل تعقیب گیری می‌باشد.

آقای دکتر فراچی که خود نیز از انجام این گونه اعمال خودسرانه در رادیو قوی‌الکاده راحت می‌نمود در برابر این سؤال ما که پس تکلیف مجاهدین را این دعوت‌نامه‌ی مکرر رادیو تلویزیون می‌باشد، ضداً تقابلی چیست و چه باید کرد؟ سکوت اختیار ننموده و گفتند که مواضع خود را در مجال وضعیت موجود در رادیو تلویزیون بعداً در برابر ریاست جمهوری روشن خواهد نمود.

و اکنون مجاهدین خلق ایران ضمن اعلام مجدد همه گونه آمادگی خود برای بحث‌های سالم و آزادی که البته در خطوط تفرقه - اندازانه‌ی ارتجاعی نباشد، از همه‌ی مسئولین کشوری می‌برند، مسئولین این قیام با شک بازی‌های رادیو که به نظر می‌رسد مدیر عامل را نیز به آن آورده است، کیست؟ و چرا رادیو دانش را از مجاهدین دعوت‌نامه‌ی می‌کند، که مدیر عامل آن نیز از آن بی‌اطلاع است؟

۵۹/۳/۲۷

## دیدار برادر مجاهد موسی خیابانی بایکی از مجروحین جریان حمله به ...



ابووز مرتجعین و گورلدان هر چه سرودست مجاهد بشکند، چشم در پیروزند پر تو ان و چشم‌های می‌شده و سرهای پرشور ... افزوده خواهد گشت. این منقح انقلاب است، این قانون کمال است.

کاشکرا را شکسته بودند، اینجا را شکستیم. اینجالب مردم است، پول ساختن را مردم داده‌اند، ما در اینجا یک تعاونی بوسپله‌ی لوله‌های داربست که روش را شمع کشیده بودیم درست کردیم و اجناس را با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار دادیم حتی برای تهیه اجناس این فروشگاه به شهرستان می‌رفتیم که در جریان حمله، این محل را خراب کردند. و حتی آنچه که از اجناس به درد بخور در انجمن موجود بود داخل یک ماشین ریخته و با خود بردند و همچنین ۳۰ تن از برادرانمان را دستگیر کردند و به مادرانمان اجترامی کردند. یکی از پاسداران کمیته صریحاً با ریکیه ترین گلمات: اتهامات می‌باید که ما وارد می‌کرد که در اینجا کسی به اهالی گفت: من ممکن است به لجان سیاسی با عقاید اینها موافق نیستم ولی اینها را مانند پسرانم می‌شناسم. این اتهامات به اینها نمی‌جسد، ما به یاکتی اینها ایمان داریم که در اینجا پاسدار می‌زور کشنده، چند قدم عقب رفت و گفت بگنارید من این را بزم. پاسدار موزور قصد داشت به روی زنی که جای مادر او بود اسلحه بکشد. بالاخره در ساعت ۷/۵ صبح ما تصمیم گرفتیم مجدداً وارد انجمن که با خون دل درستش کرده بودیم و اکنون به طریق غیرقانونی به اشغال کمیته‌ها یا بردآورده بودیم که تیراندازی به

مردم و به خصوص نسل جوان و مبارز بسته بودند، هر جا که نشست پرده از این توطئه برداشت و آن را نقش بر آب کرد.

ضربه‌ی اپورتونیستی سال ۵۴ و تلاش سازمانی که تقطی امید و آرم‌هایش بود، اگر چه برایش سخت و جانگناه جلوه می‌کرد، ولی هرگز ناامیدش نداشت و به مواضع انحرافی ننگسند. در اوج این ضربه سخن از احیای اسلام راستین به دست جوانان انقلابی گفت و تضاد اصلی را با رژیم امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌اش نشان داد.

او به درستی، در پس این ضربه، خطر نیروهای راست ارتجاعی (مارقین) را نشان داد که چگونه در صفت با نیروهای انقلابی و به خصوص مجاهدین، تضاد اصلی را فراموش کرده و هم کله با منحرفین چپ‌ها، (تاکفین)، آب به آسیاب رژیم دست نشانده‌ی امپریالیسم (فاسطین) می‌ریزند.

ضربه‌ی اپورتونیستی او را با نیروهای مبارزی که معتقد به مکتب دیگر بودند، نکشاند. آنان را نه به عنوان دشمن، بل به عنوان رفقای می‌دانست که در میدان عمل انقلابی روهائی بخش، باید پیش بودن از آنان را تجربه کرد و به نایب رساند و نه با ضدیت و درگیری. "معلم" که دیگر نمی‌توانست با شاگردان و جوانانش بنشیند و برای آنان سخن از دردها و درمان‌ها کند از این پس تنها آواره، از داری به دیار دیگر می‌گشت. او که جوانی را با درون‌گرایی و عرفان رفیق و بی‌آزار آغاز کرده بود، با دو پال ابوذر و مولوی، از کوران مبارزات سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی گذر کرد، آمیخته شد و در اوج غنای خویش به "عرفان" عصیان‌گروهائی - بخش رسید. عرفانی که در کنار "آزادی" و "برابری" می‌نشست و معنی می‌یافت.

از دلبستگی سال ۵۶، "مهاجر" الی‌الله، از "زندان سکندر" گریخت تا سرنوشت خویش را در تداوم حرکت و مبارزه‌اش تعیین کند. یکماه بعد، مهاجرتی را به ابدیت گسترش داد. زندان بزرگ را درهم شکست و در آستان پاک خدا رها شد.

اکنون اگر چه بسیاری از جریان‌های ارتجاعی که در جوهر تفکرشان ضدیت با "شریعتی" نهفته است، "نامش" را بزرگ می‌کنند تا "پایش" را از خاطره‌ها محو کنند، اما "پیام" و "نام" دکتر، در خاطره‌ی سخنانش در مطبوعات رسمی، هم او را در میدان مردم کندار کند و هم تضادهای بین نیروهای سیاسی مبارز از شاگردان رادیو شریعتی به سازمان که تمام کانال‌های ارتباطی‌اش را با

## سؤال از دادستانی کل انقلاب درباره‌ی

اشغال غیرقانونی کانون توحیدی بشارت

بسم الله الرحمن الرحيم

علیرغم تلاشهای گسترده‌ای جهت بازپس‌گرفتن ساختمان کانون توحیدی بشارت و اموال منقول موجود در آن در عالیترین سطوح مسئولین مربوطه صورت گرفته، و با توجه به اینکه منزل دارای سند مالکیت بوده و در اختیار صاحب آن می‌باشد، و تصاحب و لاک‌مهر آن هیچ دلیل موجه قانونی و حکم رسمی نداشته و ندارد چرا تاکنون به تصرف یک ماهی غیرقانونی کانون از طرف عناصر بی‌صلاحیت پایان داده نمی‌شود؟

تازه این در حالیست که پس از مراجعات به بعضی از مقامات

کانون توحیدی بشارت ۵۹/۳/۲۵

## سارروز اجرای قانون خلع ید از شرکت استعماری نفت

نفت و ادارات تأسیسات نفتی نظارت کردند.

این اقدام که از نیاز توده‌های ستمدیده‌ی ایرانی می‌جوید، به امپریالیسم نفتخوار انگلیس نشان داد که دولت ملی دکتر مصدق در مبارزه برای درهم شکستن عمده‌ترین پایگاه اقتصادی استعمار، مصمم و تزلزل ناپذیر است. از این پس، انگلستان - این استعمارگر کینه - گار، برای سرکوبی دکتر مصدق، پیش از پیش به توطئه‌چینی مشغول شد و عقابیت نیز این رسالت‌نشین را به طور تعیین کننده، امپریالیسم تازه نفس آمریکا بر عهده گرفت و به کمک آفایادی داخلی، حاکمیت رژیم دیکتاتوری و مزدور گوداچیان را بر مردم ستمدیده‌ی ما تحمیل کرد.

با وجود این، نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق که ملی گردن صنعت نفت و خلع ید از استعمار انگلیس را به ارمان آورد، نه تنها نقش تعیین کننده‌ی در ارتقاء جنبش رهاش بخش مبین ما ایفا کرد، بلکه هم چنین بر مبارزات ضد استعماری خلق‌های منطقه نیز تأثیر به‌سزایی داشت.

۲۹ فروردین هر سال، فرصتی است که خاطره‌ی یکی از پیروزی‌های درخشان ضد امپریالیستی خلق‌مان را گرامی بداریم.

# گروه‌های مختلف جریان مجامع امجدیه را محکوم می‌کنند

برای نخستین بار، این حمله ارتجاعی و وحشیانه در حالی صورت می‌گرفت که مراسم امجدیه با اجازه رسمی وزارت کشور برگزار می‌شد، و درست به همین خاطر گروه‌های مختلف به این حمله اعتراض کردند. چرا که وقتی ضوابط و مقررات و قوانین ملکی این‌گونه آشکارا بازچسبی محافل انحصارطلب قرار می‌گیرد، چه چشم‌اندازی برای ناسازگاری حقوق و آزادی‌ها و نیز امنیت اجتماعی مردم می‌تواند وجود داشته باشد؟

از این مهمتر وقتی شیوه‌های کثیف آریامهری با ماسک اسلام و حزب‌الله یگانه گرفته می‌شود، مردم مسلمان ما چگونه می‌توانند در برابر ضربه خوردن و خدشدار شدن صورت گرفته است می‌پردازیم:

## ۲۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی حمله به اجتماع امجدیه را محکوم کردند و خواستار مجازات عاملین آن شدند

باتوجه به اصل آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به توصیه‌های مکرر امام سنی بر لزوم حفظ وحدت و یکپارچگی اقتدار ملت و با توجه به اینکه منطق چماق و جفاکاری و برهم زدن اجتماعات قانونی به‌شکل محکوم است، ما نمایندگان مجلس شورای ملی اسلامی کشور را که در روز ۵۹/۳/۲۲ به شرکت کنندگان در مراسم امجدیه شد، شدیداً محکوم می‌کنیم و اعلام می‌داریم که این گروه کارها علاوه بر بی‌انتهای تاسف بار و ضدیت با انقلاب اسلامی ایران و تجاوز به قانون و جرم جمهوری

## کانون زندانیان سیاسی ایران: عاملین حمله به اجتماعات باید به مردم معرفی و سرکوب گردند

از همان آغاز انقلاب دشمنان انقلاب، آمریکا و عوامل ساواک درصدد بودند که به اشکال مختلف چه از طریق رسوخ در دستگاه های اجرائی و چه تشکیل دستهای جفاکار و با عنایت فریب‌پذیری "حزب الله" آشوب و هرج و مرج و درگیری و نقایز را ایجاد کنند تا مقابل شتاب و سمت مبارزه ضد امپریالیستی - دیوکراتیک مردم ایران مانع بوجود بیایند.

امروزه دیگر برای همه روشن شده است که حمله کنندگان به اجتماعات، کاری جز قتل و جرح، کتاکت سوزی و زویندن به ناموس دیگران ندارند، کوچکترین اعتنایی نیز به جمهوری اسلامی ندارند. اما ظاهراً در پشت‌کلمات اسامی رهبران دولت و انقلاب پنهان شده‌اند.

اهل و سستی در سرکوب اعضا ساواک، عدم انضام اسامی آنها، عدم معرفی تمامی عناصر ضد مردمی در مورد مطبوعات و شهرت به مردم، منبع امیدواری این عناصر ضد انقلاب و جفاکار است. آنچه اسناد جاسوسی‌های آمریکا ناگفته نماند، دست پنهان سرمایه‌داران و زمینداران و ساواکی‌ها در پشت سر این حرکات بود.

درست بر این حرکات بود که با واقعی امجدیه، دنباله‌ی موهبتی ناکام سراسری روزهای قبل از ۱۵ خرداد است. که به علت اشتراکی توسط برخی نیروهای سیاسی و از جمله توسط شخص رئیس جمهوری، ناکام ماند. این همه جلیل از مقام شهدا می‌شود، آن وقت چگونه می‌شود باور کرد که به اجتماع مجازی حمله شود که به مناسبت بزرگداشت شهدا برگزار شده است. چنین حملات کار

## اعلامیه انجمن حقوقدانان مسلمان

هم از سوی کسانی بودمانند که به لحاظ سوابقتان در ثروت مطرود و مورد نقرت اکثریت برآمدند. نحوه انجام بورش‌ها بصورت ایجاد حریق در دهکده‌های کشاورزی، حمله به نوجوانان فروشنده نشریات انقلابی بر تاپ سنگ و مواد آتش‌زا به خانه و مامن و ماوی مردم، کمین برای افراد میاز، از یک‌سویا ندهنده‌ی خلعت - هاو خلق و خوی حمله‌کنندگان و از سوی دیگر بیانگر ماهیت واقعی دست اندرکاران اصلی و گردانندگان کان این جریان انحرافی است. اما جاسارت حمله به اجتماعات صدها هزار نفری و در کنار آن نایدیده گرفتن نیروهای پلیس و نذرات و بیانیه‌های مقامات اجرائی، مقبولی است که از خلعت شخصی این اوباش به دور بوده و حتی در رابطه با موضع طبقاتی لیبی‌تان نیز قابل تبیین نیست، بلکه حاکی از وجود رشتها و سرخشا و حمایت‌های مادی و معنوی است که از ایشان می‌شود. در پس صدها حمله و هجوم، بریب و جرح و قتل و غارت جیزی بیرون از چند صدلات و عریه‌دکس وجود دارد:



سیسج چاق‌دار، بر تاپ گازکش؟ و روشلیکا گلرکله... اینست یاسخ انحصارطلبان به حقوق قانونی مردم !!

برای قلع و قمع جفاکاری، در کنار تعقیب قانونی سنی محرک شده و با مزدور و مجازات آنها، نیاز اصلی، شناسایی و معرفی و محکومیت سزمداران اصلی این جریان می‌باشد. این کار به سادگی از طرف مقامات اجرائی و قانونی میسر است. درگیری عوامل حمله هجوم به هر یک از اجتماعات مردمی و بخصوص با توجه به سلاح‌هایی که بعضاً در دست مهاجمین یافت می‌شود و تعیین هویت عاملین تسلیح و بیکی از راههای شناسایی آبرین و مسلمان اصلی است. در تعقیب شکایت‌هایی که به مراجع متخلف انتظامی و قضایی می‌شود، مطالبات آبرین و مسلمان اصلی است. مشاهده شده است که مجاهدان در صدد بیگیری قضا بر آمدند و با نحوه اظهارات منهنج به گونهای از بس تعیین و به آنها دیکته شده است که برونده را از امکان رسیدگی بوسط مراجع دبیلاح - دادگسری - خارج نوده‌است.

انجمن حقوقدانان مسلمان، علاوه بر آنکه مصراحت از مقامات اجرائی خواستار رسیدگی قاطع و اعلام اسامی گردانندگان اصلی این جریان انحرافی است، وظیفه انسانی و اسلامی و اخلاقی خود می‌داند که ضمن اعلام آماجگی در جهت همکاری با کلیه گروه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های انقلابی و نشریاتی، از هندی امکانات خود برای رسیدگی کردن بساط جفاکاری که می‌کند یکی از حربه‌های امپریالیسم جهت اعدایی حاکمیت کامل خود در کشور ناموس، سود حسد و از نامی اقتدار آگاه مردم و نیز احزاب و سازمان‌های انقلابی و نشریات و جرایم مردمی خواستار است تا با در احصار گذاردن اطلاعات و اسامی مدارک خود این انجمن را تازی دهند.

انجمن حقوقدانان مسلمان  
۱۳۵۹/۳/۲۶

## اعلامیه گروهی از معلمین مرکز و شمال تهران

اخیر لاقول محکوم و مطرود گردیده است. لذا برای هرچه بیشتر افشا نمودن سرمداران این جریان ضد انقلابی و مسوم که باعث تفرقه افکنی و درگیری‌های درونی جامعه می‌شود، از آنها خواستاریم که حقیقتی را در جهت از بین بردن این بدیده‌ی نامطلوب، انجام دهند. از طرفی دیگر از شما و سعای جمهوری اسلامی مصراحت می‌خواهیم ما با توجه به ناکیدات مکرری که از جانب مجاهدین خلق ایران در مورد شناساندن رهبران این جریان سسد است در یک برنامه‌ی زنده‌ی رادیویی - تلویزیونی اجازه دهند که سازمان مجاهدین خلق سرمداران و عناصر نایاک این جریان را برای خلق قهرمانان ایران افشا نماید. گروهی از معلمین مسلمان مرکز و شمال تهران



ایرانی مترانگم، گازکش و روشلیکا محوطه را فرا گرفته است.

## بیانیه گروه سیاسی ایران امروز

دبیرخانه‌ی گروه ساسی ایران امروز طی اطلاعیه‌ی حمله به نسبت به مجاهدین خلق، که مبارزین انتظامات امجدیه را شدیداً بیسج و تاسف و ناامنی همی جوامع اسلامی و روستاگران منهد را کرسی - انگیزد.

## انجمن ها و دفاتر هماهنگی دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی: حمله به مراسم بزرگداشت شهدات مجاهدین خلق در امجدیه اوج ترس و وحشت انحصار طلبان و واپسگرایان از اسلام اصیل و انقلابی

بار دیگر، انحصارطلبان و مفرقه - اندازان، که در بی تحکیم حاکمیت غاصبانه‌شان بر مردم هستند، از آنچه که تلاشهای گزندی خود را در طول ۱۶ ماهه پس از انقلاب در ابواب قدرت می‌دانند، حربه‌های ارتجاعی و ضد مردمی را به نمایش گذارند و در جریان آن، مجاهدین دیگر به خون غلظید و صدها تن نیز مروج بر جای ماندند. ولی مترجمین و انحصارطلبان نمی‌دانند که با چنین اعمالی این جبهه‌ی کرب و عواریب را از آنان است که از پس ادعاهای کاذب اسلام پنهانانه و انقلابی‌نمای آنان خود نمی‌بینند، بدنبال حیرات وحشیانه و مکر خود به مراکز و مراسم مجاهدین خلق در سراسر کشور، که به قیمت شهادت و مخرج شدن صدها



# متن سخنرانی هیات نمایندگی کنگره‌های خلق جمهوری عربی سوسیالیستی لیبی در کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران

بنام خدا

برادران و خواهران، درود و رحمت خداوند بر شما. بعنوان هیات اعزامی کنگره‌های عمومی خلق که شامل شوراهای کمیته‌های خلقی و اتحادیه‌های حرفه‌ای مردم جمهوری عربی سوسیالیستی لیبی می‌باشد، می‌خواهیم که درودها و تحسین و تقدیر ملت عرب و مسلمان لیبی و رهبر متفکر و انقلابی آن معرقدانی را تقدیم نمائیم و برای شما در کار این کنفرانس و در جهت افشای ظلم و احقاق حق و رسیدگی به ستم‌دیکگان آزادی موفقیت ثنائیم. و نیز بستنیانی کامل خویش را از ملت مسلمان ایران در تصمیمیاتی که به منظور حفظ موجودیت خود در قبال مداخلات گوناگون آمریکا اتخاذ می‌نماید اعلام می‌داریم. ما خود را هم‌بیمایان طبیعی ملت مسلمان ایران به رهبری آیت‌الله امام خمینی می‌دانیم.

## ملتها شکست ناپذیرند



هیئت نمایندگی کنگره خلق لیبی در کنفرانس بین‌المللی مداخلات آمریکا در ایران

شده است عبرت نگرفته و می‌کوشد تا دست نشانندگان تازه‌ای برای خود در منطقه بوجود بیاورد که توطئه‌های خویش را علیه ملت‌ها ادامه دهد. آمریکا سادات خائن را که دست نشاندهای پیش نیست و ادا سازت که شاه را در مصر بیدرود و خواست و اراده‌ی ملت مصر را نادیده بگیرد. ایالات متحده‌ی آمریکا هم‌اکنون در نظر دارد که اسلحه‌ی بسیار مدرن در اختیار رژیم ورشکسته‌ی سادات بگذارد. البته این سلاح‌ها برای آزادی سرزمین عربی فلسطین و آزادی سایر سرزمینهای اشغال‌شده‌ی عرب و سیر قدس نیست، بلکه برای به کار بردن این سلاح‌ها در جهت سرکوبی منطقه و مخصوصاً سرکوبی انقلاب ملت عرب و مسلمان لیبی،

انقلاب ملت مسلمان ایران، پرده از چهره‌ی کسانی که در همسایگی ایران ادعای آزادی مسلمان بودن را دارند و زست‌فداستعماری بخود گرفته‌اند برداشت و آنان را رسوا کرد. این مدعیان دروغین هم‌اکنون در راه نمکسخت کشاندن انقلاب ملت ایران تلاش می‌نمایند و این بختی است از توطئه‌ی بزرگی که توسط امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع به منظور سرکوبی جنبشهای انقلابی طرح‌ریزی شده‌ی زبر انقلاب به معنی پایان دادن به سلطه‌ی امپریالیسم و استعمار و آغاز دوران آزادی ملت از تمامی قید و بندها و دخالت‌های ابرقدرت‌ها است.

این وظیفه‌ی نیروهای انقلابی است که از طریق کمیته‌های انقلابی و اتحاد و همسنگی با یکدیگر دیکتاتورها و مهره‌های استعمار را

است که علیه آنان اتخاذ می‌گردد. یک رژیم فاسق فلسطینی که جانوران صهیونیستی را به گروگان می‌گیرد و خواستار رهائی رفقای خود از زندان و آزادی میهنش می‌نماید، در واقع با این اقدام می‌خواهد موضع خویش را در مقابل سیاست بین‌المللی تئور که توسط دولت آمریکا از طریق صهیونیستها علیه خلق فلسطین اعمال می‌گردد نشان دهد.

زیرا دولت آمریکا خود اسرائیل را بوجود آورد و از نظر اقتصادی و نظامی تقویت نمود و به توطئه‌ی آن کمک کرد و اشغالگران صهیونیستی را به منظور درهم کوبیدن اردوگاه‌های فلسطینی به بمبهای ناایم مجهز برای تخریب بناهای نظامی در

موضع خود مصروف نگذارد. لیبی یعنی ملوک ادیس و رژیم فاسد را به کار گرفت تا بزرگترین پایگاه ویلسون همراه با سهمیایک نظامی دیگر را در کشورها و در مناطق الوطیه، بحرالاسفلی می‌لاد و هبلیه بسازد تا ملت عرب و مسلمان لیبی را برترساند و زیر سلطه بگیرد و دیگر ملت منطقه را مورد تهدید قرار دهد. سازمان مستقر در آن با کلاه‌های مختلف و تهدید و فشار برای ملت لیبی روا می‌دارند. زمینها و املاک ما را غصب کردند و به مقدسات و قوانین ما اهانت نمودند و اسلحه‌های انحرافی در سرزمین ما انباشتند، خانه‌ها و چهارپایان ما را برای آموزش و ترمین خلبانان مورد هدف قرار دادند، خلبانان صهیونیستها را روی سرزمین ما آجوش دادند و ارتش دشمن را در گرامورم جنگ ۱۹۷۶ میلادی

دولت ملی مصدق، توطئه نمود، توطئه علیه ملت لیبی را نیز آغاز کرد و راه لیبی یعنی ملوک ادیس و رژیم فاسد را به کار گرفت تا بزرگترین پایگاه ویلسون همراه با سهمیایک نظامی دیگر را در کشورها و در مناطق الوطیه، بحرالاسفلی می‌لاد و هبلیه بسازد تا ملت عرب و مسلمان لیبی را برترساند و زیر سلطه بگیرد و دیگر ملت منطقه را مورد تهدید قرار دهد. سازمان مستقر در آن با کلاه‌های مختلف و تهدید و فشار برای ملت لیبی روا می‌دارند. زمینها و املاک ما را غصب کردند و به مقدسات و قوانین ما اهانت نمودند و اسلحه‌های انحرافی در سرزمین ما انباشتند، خانه‌ها و چهارپایان ما را برای آموزش و ترمین خلبانان مورد هدف قرار دادند، خلبانان صهیونیستها را روی سرزمین ما آجوش دادند و ارتش دشمن را در گرامورم جنگ ۱۹۷۶ میلادی

## شوک دل‌ها و صحبت‌های هم‌دانی

### صدایی از میان جنگ‌ها و کوه‌ها

این صدایی است که از قلب مازندران و از میان جنگ‌ها و کوه‌ها و بالاخره از شهر گرگان با شما صحبت می‌کند. من در یکی از روستاهای شهر گرگان بنام روسای ... مدیر مدرسه می‌باشم. دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۵۹ طبق معمول مشغول کار بودم که در حدود ساعت ۱۱ صبح ناگهان مردی دوان دوان به مدرسه آمد و داد فریاد که: "مسلمان‌ها کجا آمدند!" پرسیدم پدرچه شده؟ چه مشکلی برایت پیش آمده؟ بگو شاید بتوانیم مشکل را حل کنیم.

مرد روسای شروع به صحبت کرد که: "من ۵ سال است برای یکی از فتوادها و مالکین اینجا ... مشغول کارم. در این مدت در کلیه‌ی کوچک و بزرگی، با عیال و اولادم زندگی لذت‌باری را می‌گذراندم. اما از مدتی پیش ارباب گفته که دیگه تورا نمی‌خواهم و باید از اینجا بروی. هر قدر که خواهش و تمنا کردم که قاجاری ندارم که بروم، کسی را ندارم. بخرش نرفته. او در جواب به من فحش می‌داد و می‌گفت اگر اینجا بجای هر روز باید فحش بخوری و اذیت می‌کنم. از فرادش اثنایه منمصر ما را که حاصل ۵۰ سال رنج و بدبختی و ذلت است بیرون ریخت.

به یاد مجاهد شهید شکرالله شنگین نام

شنگین

بیرون تو

دیشب

دوبار میری در آسمان میبینم درخشید و امروز صبح آفاق خونین تریبود

امروز

قهرهای شیر عظمی‌مان نترسود خوانند امروز

میلیشیا قلیتر بر کینه تریبود. نشانت، "شنگور" در همه جا هست از شنگه‌ها و موخس تا دیوارهای شهر از سنج کوه‌ها تا وسعت صحراهای دور دست از قلب‌های پر درد یاران، تا فریادهای - پر خروش میلیشیاها

تو، گجا به خاک و خون در غلغری در مشهد، شهر شهادت، در خیابان بهشت، کنار سنگر نادر است! و بعد از این جنایت هولناک تند با دی‌گه، تولا طم خونت بر سنگر نش- خیابان بر خاست، شکوه‌های سرخ‌رنگه‌ی گاه‌ها را در کوه‌ها - و پس کوه‌چدا در خانه‌های شهرت ریخت، و آنگاه سیر خول خان خلق، در ماتمات گریست و دوباره سنگرها را زیر گرفت، زفا شیشیت - ها، مرتجعین سگریدند و توست ولی یاد تو در دل‌ها مانده است

شماره‌ی جدید "مجاهد الشعب" و "MoJahed" (نشریات عربی و انگلیسی) مجاهدین خلق / منتشر شد.

از کلیه‌ی هم‌وطنان (مقیم ایران یا خارج) که می‌توانند در توزیع نشریات در آسیا و آفریقا با ما همکاری کنند تقاضا داریم با تهران ۱۶ صندوق پستی ۱۵۵۱/۶۴ تماس بگیرند.

MOJAHED The Organ of the People's Mojahedin Organization of Iran

نشریات عربی و انگلیسی

مجاهدین خلق

مجاهدین خلق

# گذری بر محلات فقیرنشین اهواز

## عبّاره:

"عبّاره" محله‌ای است فقیر - نشین در آخر اسفالت، در جنوب شهر اهواز، این محل دارای یک خیابان اصلی به نام "مرتضی علی" می‌باشد. در حدود سی خانگی کاهگلی در این محله وجود دارد که معمولاً مساحت خانه‌ها از ۵۰ متر مربع تجاوز نمی‌کند. بعضی از این خانه‌ها دارای ۴ اتاق می‌باشد، که در هر اتاق آن یک خانواده‌ی ۵ نفری و گاهی بیشتر زندگی می‌کنند. در این محله کردهای مهاجر همراه با عربها در کنار هم مسیانه زندگی می‌کنند. آخر همی آنها از فقر، محرومیت و ظلم و استثمار سالیان دراز ناشی از حاکمیت رژیم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم، رنج می‌برند. آنها همیشه منتظر رسیدگی به آنبوه مشکلاتشان می‌باشند. حتی بعضی از آنها حاضرند در صورت دادن زمین و ایجاد امکانات به روستاهایشان بروگردند و به کار کشاورزی بپردازند. همتی برای امام خبثی دعا می‌کنند اما از این که مسئولین توجّهی به وضعیتشان نمی‌کنند، ناراحتند. یکی از اهالی می‌گوید:

هم پیر شده و خرجی نداریم، از صبح تا شب یک قابلمه شلغم می‌فروشم و همشاه ۵ تومان بدست می‌آورم، می‌دانم که شاه رفته اما ظلمش هست اگر بیاید تکمکاش می‌باشد.



تندیس بگناهی این نسل خشکین معصوم کوچک  
ای ساردهی تابان درون غار میراث ظلم و جور هزاران هزارسال درچهره‌ی تکیه‌ها، اینک تصویر نبرد نهائی را

بدرت هم شده، شخصی دیگری می‌گوید: بچه‌های ما به علت فقر نمی‌توانند به مدرسه بروند، مدرسه تا اینجا فاصله زیادی دارد. دختر دانستی - آموزی می‌گفت: "در این محل آن قدر ما را به‌صبر! دعوت کردند که مردم بی‌تفاوت شده‌اند. قبلاً" مرتب شمار می‌دادیم و راهیهای می‌کردیم ولی حالا فقط در مدرسه این کار را می‌کنیم. ما برای امام طول عمر می‌خواهیم و انتظار داریم همین خانه‌ها را به‌ما ببخشند یا برایمان بسازند".

مادری با چشم گریان اتاق کوچکش را نشان می‌دهد، در حالی که شوهر معاندش در گوشه‌ای نشسته بود، می‌گفت:

"همین یک اتاق کوچک برای زندگیان است، آب و برق را از همسایه می‌گیریم، دست‌های پینه بسته‌ی شوهر را ببین این دست‌ها سال‌ها کار کرده و هیچ ندارد. حالا

اهالی محله عبّاره از حداقل امکانات زندگی بی‌بهره‌اند، کوجهما پر از اشغال و جوی آبی که از این محله می‌گذرد، پر از لجن و کثافت می‌باشد، که تعفن ناشی از آن انواع و اقسام بیماری‌ها را بوجود می‌آورد. اهالی برای درمان مجبورند مسافت زیادی را تا درمانگاه شیروخورشید یا مسجد صاحب‌الزمان بروند. به یک خانواده‌ی ۶ نفره درجه‌ی یک که پدرشان سخت مریض بود و تمام پولشان را به بیمارستان و ویزیت‌های ۵۰ تومانی دکترها داده بودند و می‌گفتند:

"کاش پدرمان و نان‌آورمان با این پول‌ها خوش شده بود، ایسن بیمارستان‌ها رسیدگی نمی‌کنند،

صحت کردیم، می‌گفتند: "از پول غذا و پوشاکمان و با زحمت زیاد این کاهگلها را خریدیم تا در زستان آب از سقف‌ها چکه نکند. مردم محله کیان آباد علاوه بر دوری راه برای رساندن مریض - هایشان به بیمارستان از ویزیت‌های ۱۰۰ تومانی برای یکبیمار و گرانی دارو و سایر مایحتاج زندگی رنج می‌برند. اکثر آنها کارگرانی هستند که صبح تا شب با حقوق اندک کار می‌کنند، تا خرج زندگی خود و چند سر عائله را تأمین کنند. یکی از آنها می‌گفت:

"وقتی شوهرم مریض شد، مجبور شدم فرش زیر پایم را بفروشم تا شوهرم خوب شود و دوباره بتوانم سرکار بروم! یک نفر از آنها می‌گفت: "مسئولین امور تا به حال برای ما چه کرده‌اند؟ بارها خواستیم اینجا را لوله‌کشی آب تصفیه کنند، اما می‌گویند: باید اهالی محله ۷۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ تومان بدهند، آخه ما که نان شب نداریم، و شهرداری که خود را سلمان می‌داند، چگونه انتظار این همه پول را دارد؟ وضع خانه‌هایمان هم دست کمی از آب و بهداشتمان ندارد. این زمین‌ها متعلق به چند شرکت است که صاحبانش فرار کرده‌اند، باید به هر یک از ما کارگران یک قطعه از این زمین‌ها را بدهند، چون حق مسلم ماست".

انها انتظار دارند، در جمهوری اسلامی حداقل نیازها و امکان آموزش و تحصیل فرزندانمان فراهم شود. دیدن محرومیت‌ها و فقر و بدبختی دامنگیر این گونه محلات و محلاتی نظیر شلیگ کیان‌آباد، رفیق آباد، جادرنشینان کوی خر، آفرزند و ... دل در انسان معتمد و آزادادی را آزرده می‌سازد. محلاتی که حداقل امکانات زندگی نظیر بهداشت، آب، تحصیل، پوشاک و مسکن و ... می‌بهره‌اند. دیدن این صحنه‌ها تنها ما را با رنج و سختی نودهاها عینی می‌کند، بلکه کینه و خشمش فرد انقلابی و متعهد را نسبت به امپریالیست‌ها و استثمارگران شدت می‌بخشد، و این حقارت را که مجاهد شهید مهدی رضائی در پیاده‌گاههای شاه گفت، درک می‌کند که:

"تا ظلم هست، مبارزه هم هست".

ما نیز از مقامات مسئول و دست‌اندرکارانی که ادعای حمایت از مستضعفین را دارند، سؤال می‌کنیم که بعد از گذشت ۱۵ ماه از قیام شکوهمند خلق‌مان چه گام‌های اساسی و انقلابی برداشته‌اید و یا حداقل چه



فرزندان فقرورد، قربانیان مظلوم امروز عصیانگران سلحشور فردا

## استغفای شورای عالی اسکان کودکانشینان جنوب تهران

استغفای اعتراض‌آمیز خود را اعلام داشته و توجه مقامات مسئول را به مشکلات روزافزون مردم جلب می‌نمایم.

بدیهی است که علت استغفا محترم خواهد رسید.

کارکنان شوروی اهالی اسکان کودکانشینان جنوب تهران: محمود محبوبی، مجید مقصودی، سعید برزین، مجید اسلامی، جم. ناصر علیخانی، صورت‌صداقت، حسن محبوبی.

رونوشت: نمایندگان محترم گود: آقای نیکخواه سربست دفتر اسکان کودکانشینان، روزنامه‌های فزادگود- نشین، اطلاعات، کیهان، بامداد مجاهد، انقلاب اسلامی.

## پای صحبت چادرنشینان "کوه سرخ"



"زندگی پرپرچ، باقیی سرشار از کینهی اربابها"

کلفت‌ها می‌دهد و آتوقت ما می‌مانیم بی‌چیزی و گرسنگی.

مادری نیز که چستان او از سو افتاده می‌گوید: "وقتی ما گرسندیم هم شکم بچه‌مانان باد کرده جطور با جوی" به این گرانی شکم گوسفندها را سیر کنیم. اسمال به ده ما نغالی دیگر هم همینطور، هر یکی از یکی دیگر بدتر. زمین‌های خدازار در زمان انقلاب، روزهایی که ما، گوسفندها را فروشم با این خشکسالی غظوری؟ اربابها همه چیز را قبضه کرده‌اند".

عبدالله می‌گوید: "اگر کسی

شهره‌دار محترم تهران

مهم سوره لازم مسلمان به مسائل و مشکلات مردم کودکانشین و کارکنی های عناصر ارتجاعی با این نهاد شورای عالی اسکان کودکانشینان، از آنجا که تشکیل این نهاد در جهت خدمت جوانان متعهد با انگیزه خدمت به خدا و خلق بوده‌است، ادامه کار به این شکل را موثر ندانسته و با مشکلاتی که انصار طلبان و مرتجعین هرروز در مسیر ما ایجاد میکنند و مست‌عالی اسکان حل مشکلات مردم میسر نمی‌باشد.

لذا با توجه به دلائل فوق و به عنوان همدردی با کودکانشینان استغفای اعتراضی را اعلام نمودیم و خواهش می‌کنیم که علت استغفا محترم را به مشکلات روز افزون مردم جلب می‌نمایم.

کارکنان شوروی اهالی اسکان کودکانشینان جنوب تهران

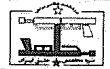
محمود محبوبی  
جمه مقصودی  
سعید برزین  
مجید اسلامی  
جم. ناصر علیخانی  
صورت‌صداقت  
حسن محبوبی

رونوشت: نمایندگان محترم گود: آقای نیکخواه سربست دفتر اسکان کودکانشینان، روزنامه‌های فزادگود- نشین، اطلاعات، کیهان، بامداد مجاهد، انقلاب اسلامی.

"چه باید کرد؟"

نوار سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی درامجدیه

نوار را فقط از مراکز مجاهدین خلق و مراکز و کتابفروشی‌های هوادار در دسترس کشور تهیه کنید.



## هشدار به رهبران چماقداران

**به جای حمله و یورش به مجاهدین ، به آسانی حمله کنید**  
**که در حکومت اسلامی رخ نه کند و بدون دسترس**  
**هیچگونه سابقه انقلابی و مبارزاتی با طاغوت و حتی با**  
**دشمن پیشین همگامی نزدیکی با سیستم پهلوی در طول**  
**یک سال گذشته با راهی طرحها و اتخاذ تصمیمها و**  
**اقدامات سوء و کار شکنیهای خود ، انقلاب را به انحراف**  
**کشیده اند و به حیثیت حکومت اسلامی و در نتیجه به**  
**آبروی اسلام عزیز لطمه وارد ساخته اند .**

اجتماعی طاغوت بوده اند ، با انواع سازشکاریها و سوءاستفادهها و اتلاف منابع روبرو بوده اند ، در یکسال گذشته اموال عمومی در آمد نفت ، از طریق حقوقهای گزاف ادراکات زائد و بیپرونده به جیب عدهای شهرنشین با مقام ، میرفت و قفرا و محرومین و روستائیان محروم از بهداشت ، مسکن ، آموزش و رفاه مناسب ، با زندگی مشابه دوران طاغوت دست و پنجه نرم می کرده اند . و چه بسا تورم ناشی از شرایط بعد از انقلاب نیز بیپرونده به جیب سختتر از دوران زندگی را بر آنان سختتر از دوران طاغوت کرده است ، در یکسال گذشته حکومت اسلامی بجای آنکه پیام آور اتحاد و دوستی و صمیمیت و تالیف قلوب باشد ، در کلیه زمینهها از جمله در زمینه آموزش و پرورش و رادیو و تلویزیون ، با اتخاذ سیاستهای غلط سبب ایجاد بفاق و دشمنی و تفرق بین اقشار مردم گردیده است ، در یکسال گذشته مشکل سنگین بعلت سیاستهای غلط حکومت نه تنها حل نشد ، بلکه یکسوی از پشت سر گذاردن یک دوره رکود به سوی تورم کشیده شده است و با راه افتادن فعالیتهای ساختمان در تهران به بهانهی ایجاد اشتغال ، مشکل خدمات شهری در آمده و مسکنهای مهاجرت شدت بیشتری پیدا خواهد کرد ، در یکسال گذشته سیاست غلط دستمزدها و سیاست غلط دولتی کردن بانکها و کارخانجات به نهائی و فراموشی کردن اصل خدائالکی از طرف حکومت اسلامی ، تولید ، کاهش یافت و بعلت کاهش نرخ بهره ، نقاضا افزایش پیدا کرد و در کنار سایر عوامل تورم ، گرانی ارزاق ناداران و بیگاران و حتی طبیفی متوسط را به زانو در آورده است ، در یکسال گذشته سیاست انحصارطلبی حکومت ، جنگ ایجاد و تحریک و تحریک و جنگ داخلی در باره ای از مناطق گردید که مردم در روزی ارتش با پاروای از برهه این کشور و برادر کشی در تقاطی از کشور منجر گردید ، در یکسال گذشته سیاستهای غلط حکومت در زمینههای بولی و آرزوی و سیاسی سبب بلوک شدن و تلف شدن میلیاردها بونای ثروت این ملت سوگند می دهم که بیش از این با حکومت اسلامی با سرگرم کردن مردم در فعالیتهای سیاسی غیر ضروری و قبول مالکیت خصوصی ، بر سرمایه سبب گردید که شهرکهای کشاورزی و صنایع و میلیونها نفر نیروی فعال این کشور بجای تولید مفید در زمینههای کشاورزی و دامداری و صنعت درون زار در راهیابی و با وقت کشی در خانه و اداره و خیابان و قهوهخانه و غیره تلف شود ، در سال گذشته دولت اسلامی بجای کمک از تمام مردم و کمک از تمام نیروها و سازمانهای مردمی در حل مشکلات اقتصادی ، با دنبال کردن سیاستهای تفرقه بینداز و حکومت کن و انگیسی علف انحصارطلبی از اجرای انقلاب در آموزش و پرورش و دانشگاه ها و ادارات ظفره رفت و امروز نیز با اتخاذ سیاست غلط تعطیل دانشگاهها بر آن شده است تا ساختن یک هیکل علمی و اخراجی در ایران که با ناجر بندی ، در یکسال گذشته حکومت اسلامی با عدم تنظیم

اینجانب به عنوان وظیفی شرعی که احساس می کنم ناگزیر هستم بیروان حمله اخیر به انجمن هواداران مجاهدین خلق در خیابان شیرخورشید و سایر حملات نظامی و قلمی و بیانی که نسبت به اعضای مجاهدین و سایر گروهها و یا افراد مخالف عملکردهای حکومت اسلامی در ماههای گذشته و احیاناً در آینده انجام شده و یا می شود ، مطالبی را متذکر گردم .

متأسفانه چنین شایع و تلقین کرده اند که گویا علت عمده افزایش نارضایتیها و نافرمانیها علت عمده کاهش محبوبیت حکومت در بین اقشار مختلف مردم ، تبلیغات و بیان نظرات مخالف مخالفین عملکردهای حکومت اسلامی باشد . این تلقین غلط سبب شده است تا عدهای از جوانان مسلمان ، قریب این شایعه را خورده و به بهانههای مختلف به مراکز مجاهدین حمله برده ، عدهای را مجروح و افرادی را شهید نمایند .

قرآن مجید به ما می آموزد که این تنها عمل یک حکومت است که سبب دوام یا فانی آن می گردد . اگر قلمیها و مسوم و تبلیغات مخالف بدون وجود پایههای فساد در یک قشر و دست و حکومت ، می توانست نظر مردم را نسبت به آن دسته یا حکومت تغییر دهد ، طاغوت با کلیه امکانات تبلیغاتی که در اختیار داشت ، علیه همین گروهی که امروز مقامات حکومتی را در دست دارند تبلیغ می کرد ، ولی دیدیم که تبلیغات وی نه تنها اثری نداشت ، بلکه سبب افزایش محبوبیت مخالفین طاغوت نیز می شد .

بهمین جهت است که قرآن فرمود : **فما یفید : ان لیس للانسان الا ما سی و یا : کان نفس ناکسین** رهیته یعنی هرکس آن چیزی را می رود که می کارد . حکومت اسلامی نیز بعلت عملکردهای غلط که در یکسال گذشته در زمینههای مختلف اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی داشته است ، روز بروز از محبوبیت کاسته می گردد .

متأسفانه دولتمردان ایرانی بجای اصلاح رفتار خود ، گناه گشته است ، انقلاب اسلامی ایران را که خونهای بی بی از ۶۰ هزار شهید است ، به لایحه پرشکوه قرار داده است ، بر بخاری قرآن ، بیش از این به خود درست بینی ، سنگ نظر و انحصارطلبی خود ادامه ندیده که اینگونه رفتارهای غیر اسلامی شما حیثیت انقلاب عزیز را در خطر جدی قرار داده است . شما راه قرآن عزیز سوگند می دهم که بیش از این با نرسوت این ملت سم کشیده و این انقلاب خونین بسازی نکنید . کمی بخود آئید و بجای حمله به دیگران لحظه ای درنگ کنید و در عملکرد یکساله حکومت بنگرید که چگونه با ابقا و گسترش ظلم و ستم و تبعیض و نامردمی سبب فقر و یاس و دلسردی و افزایش نارضایتیها شده است .

در یکسال گذشته ، فرآیند تقویر شدت و نرومندان ، بست عوض کرده اند ، در یکسال گذشته مردم شنشی آزادی و یکرنگی حکومت ، با انواع سانسورها ، دورنگیهای سیاسی حسنی و شکنجه و توقیفهای غیرمردمی روبرو بوده اند . چه بسیار زندانیان سیاسی که ماهها در زندانهای انفرادی حکومت اسلامی بسر بردند ، بلا تکلیف رها نشده اند ، در یکسال گذشته مردمی که شنشی تغییراتی بنیانی در سراسر سیستم اقتصادی

خواهند شد ، بلکه بعلت نبودن پایه عینی مخالفت ، هرگونه مخالفتی به ضد خود تبدیل خواهد شد ، مخالفین را به شکست می کشاند .

برادران مسلمان بجای حمله و یورش به مجاهدین ، به آسانی حمله کنید که در حکومت اسلامی رخ نه کند و بدون دسترس هیچگونه سابقه انقلابی و مبارزاتی با طاغوت و حتی با دشمن پیشین همگامی نزدیکی با سیستم پهلوی در طول یکسال گذشته با راهی طرحها و اتخاذ تصمیمها و اقدامات سوء و کار شکنیهای خود ، انقلاب را به انحراف کشیده اند و به حیثیت حکومت اسلامی و در نتیجه به آبروی اسلام عزیز لطمه وارد ساخته اند . اینها هستند که مجاهدین را که برای مردم و انقلاب خونها داده ، شکنجه کشیده و مصیبتها تحمل کرده اند را ضد انقلاب و ضد مردم معرفی کرده اند تا چه پهره کتیف عدالتهای خود را خفی نمایند و با انقلاب اسلامی از طریق ایجاد تفرقه ملی و احیاناً جنگ داخلی ، لطمه کاری وارد سازند برادران مسلمان من : خدا ، امام زمان امامت ، اسلام ، عزیز و همهی مصومین و شهدا ، و مستضعفین را گواه می گیرم که به شما هشدار داده ام که اینگونه حملات غیر اسلامی شما علیه مجاهدین و اینگونه تحماریها و بیگانه سازیهای غلط حکومت و اینگونه نفاق آفکنی و ایجاد سبب ملی ، به زبان خود شما ، انقلاب اسلامی و مستضعفین می باشد .

آری ، لحظه ای درنگ کنید و سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن انگلیس را بخود آتان برگردانید و با مسلمانان رحمة باریت و با مخالفین اسلام دشمن سخت .  
 حسن نوابیان فرد  
 ۵۹/۳/۲۵

## اعتراض انجمن میثاق به عدم رسیدگی دادستانی به جریان حمله به ...

بسم الله الرحمن الرحیم  
 در پی حمله غیرقانونی ستاد مرکزی منطقه ۱۲ به انجمن جوانان مسلمان میثاق ۱۶ تن از اعضای انجمن به طور غیرقانونی و بدون سر نبرده دستگیر و پس از چند روز بلا تکلیفی بزدانان سیرده شدند . تحقیقات از این قرار بود که بعد از تفریق فرآیندی که از یک ماه پیش علیه انجمن شروع گردید ، که در احوال یکی از نرس سبقتی مردم از اعضای این انجمن دست از تصمیمات غیرقانونی و شوشان برمی داشتند ، تا این که ساعت ۳/۵/۵۹/۳/۱۹ زندهانی که برای ملاقات با فرزندانشان ماهورین کمیته ماهورین به مسطر و حیسانتهای از در دو دیوار انجمن بالا رفتند و بدون در دست داشتن حکم دادستانی و پس از ضرب و جرح کردن تعدادی از اعضای انجمن عدهای از همین اعضا را دستگیر کرد و با خود می برند . ناگفته نماند که کلیه وسایل موجود در ساختمان را که شامل یک انبار خوراکی و مقادیر زیادی دارو که برای درمان مردم منطقه تهیه شده بود ، غارت کردند و اجناس ضروری انجمن را نیز با خود بردند . تا بدین وسیله از فعالیت مردمی انجمن که روز به روز باعث بهبودی وضع مردم و رشد آگاهیهای آنها بود ، جلوگیری بعمل آوردند .

در این جا بی مسامت نیست که از دادستان کل انقلاب سؤال کنیم ، مگر حمله ایانه به محل کار و فعالیت مردم ، آن هم بدون حکم دادستانی از نظر آن مقام آزاد است ؟ مگر حل مشکلات اقتصادی و بهداشتی مردم جرم محسوب می شود ؟ بی چرا عادلین این حمله را که بنام منجر به شهادت ناصر محمد ( یکی از اعضا انجمن ) و سیر خوردن فرد

## گروههای مختلف جریان ...

خلق ، هستند که راه خونین اسلام انقلابی را به قیمت شهادتها و جراحتهای فراوان ، هوادار می کنند دانشگاهها و مدارس عالی ضمن محکوم کردن این اعمال وحشیانه ، خواستار برخورد جدی و مسئولانه تر مقامات مسئول نسبت به این پدیده ضد اسلامی و انقلابی گه ایامی و خطرناک و فاجعه آمیز بخود گرفته و بی وقف تمام برادرند .

- ۱- انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران
- ۲- انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم
- ۳- انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه پلی تکنیک
- ۴- انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه علم و صنعت
- ۵- انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی شریف
- ۶- انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه ملی
- ۷- انجمن دانشجویان مسلمان مدرسه عالی کامپیوتر
- ۸- انجمن دانشجویان مسلمان مدرسه عالی پارس
- ۹- دفتر ماهیگی دانشجویان مسلمان مدرسه عالی ترجمه
- ۱۰- انجمن دانشجویان مسلمان مدرسه عالی تغذیه
- ۱۱- انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه متحدين
- ۱۲- انجمن دانشجویان مسلمان دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی
- ۱۳- انجمن دانشجویان مسلمان موسسه عالی علوم بانکی
- ۱۴- انجمن دانشجویان مسلمان مجمع تکنولوژی انقلاب

## اطلاعیه شماره ۱ نمایندگان خوابگاه دانشجویان پسر پلی تکنیک

به دنبال توطئه تعطیل و به اغتشاش کشیدن دانشگاه ، اطلاع یافتیم که افرادی دست اندازگار بر نامه ریزی برای تعطیل خوابگاههای دانشجویان می نمایند . لذا در این زمینه با مقامات مسئول تماس گرفته و ضمن یادآوری حقوق قانونی خودمان در مورد مسکن خوابگاه و نیاز دانشجویان ، خواستار اقدام جدی مسئولین در برابر این جریان که هدفی جز ایجاد تفرقه و تشتت و تفرقه دشمن اصلی ندارد ، ندیم .

متأسفانه جنیدی بیس حکمی از طرف سرپرست امور دانشجویی بی بی برخیزد و برخیزد تا موعد ۳/۵/۵۹ صادر شد . در حالیکه در تماسهای با دانشده ذرا بالا ، مقامات مسئول از جمله شخص آقای رئیس جمهور تصریح کرده بودند ، که مسکنهای تعطیلی خوابگاهها به هیچوجه سطح نیست . لذا دانشجویان خوابگاهها صلاح بر این دیدند که در مقابل هرگونه توطئه مقاومت خواهیم کرد و مسئولیت هرگونه اعمال فشار بعدی را متوجه مقامات دانشگاه می دانیم که با صدور چنین احکامی زمینه ساز اجرای توطئه های عناصر شناخته شده گشته اند .

نمایندگان خوابگاه شماره ۱ پسران  
 ۵۹/۳/۲۷

برو بخشایم مویح که اطلاع گیه دانشجیان ساکن خوابگاهها هرمانه که حد اکثر تا آخر وقت ۳/۵/۵۹ به خوابگاه راهبره باگه وسایل ضروری خود تشریک کنند .  
 در فرایند امر دانشگاه هیچگونه مسئولیتی در قبال دانشجیان نداشته و مسئولیت عواقب بعدی و معده خود دانشجیان بهمانند ...  
 سرپرست امور دانشجوئی پلی تکنیک  
 سرپرست امور دانشجوئی پلی تکنیک  
 سرپرست امور دانشجوئی پلی تکنیک



# مردم ومجاهدین

بقیاض صفحہ اول

**وظیفه نیروهای متحرکی و انقلابی آن است که همه هر شکلی شده از این گونه تفرقه‌ها و جدائی‌ها جلوگیری کنند.**

دارناتن این پاسداران هستند که به نفع مرتجعین وارث عسلی می‌گردند و ... برادر "دیگری" این تهران برزبان نوشته: "چگونگی به فرام برداری از سپاهی می‌کنید که کمترین ضدیته را با شما داشته‌است" برادری از کردستان نوشته است: "دیگر از شما انتظار نداشته‌ام برای اینکه بداند تحت فرماندهی چه کسانی می‌خواهد قرار گیرد، بهتر است سری به کردستان بزنید و ببینید که چگونه به نام مبارزه با فخر و اتحاد مردم محروم ما به خاک و خون می‌کشند." خاوه‌ری که "فرشده" می‌جهد است از تهران باستان نوشته است: "کاش یک روز با پاسدارانی که ما نباید فریاد بریزانیم از بکنیم از نزدیک برخورد داشتیم و می‌دیدیم که چه مشکلاتی برای فروش مجاهد برپا می‌آید... در جریان هفته پیش امجدیه نیز با تیراندازی پاسداران که می‌توانستیم با آنها به خاک و خون کشیده‌شد بسیاری از خواهران و برادران با آفسوس می‌گفتند: "این هم از سپاهی که بقتدر سنگن را به سینه می‌زدید، آیا غیر از این بود که پاسداران به روی مردم آتش گشودند، مسلولیت شهادت برادرمان مصطفی ثاوری کیست؟ از پاسداری که در عرض تفرقه‌افزایی از خود ادعا می‌کند بسوی او تیراندازی شده، چگونه می‌خواهد اطاعت کنیم" انتقادات در این مورد فراوان بود. ولی ما هنوز هم که هنوز است به آنچه که در درجه گذشتیم معتقد و وفاداریم. فقط جدا تفریق در این مورد ضروریت است. اول تحلیل ما از سپاه پاسداران، دوم در نظر درست است که ما گفتیم. اما ما سپاه پاسداران اسامی از توده‌های محروم مردم تشکیل شده است. اکثریت برادرانی که در سپاه عضویت دارند جوانانی هستند که در مبارزه با شاه خائن نقش داشته‌اند. اندک با شاه اکثر همین عزیزان بود که غرض مسلسل‌های آمریکایی مزدوران شاه را بلید و محو کرد. ما به خوبی به میزان شور و انگیزه اکثریت این برادران آگاه هستیم. منتحی مانند سایر نهادهای این انقلاب این ارگان نیز اولین و بهترین طایی و نفوذ عناصر و پیشگام و عوام-فرب و بیرون نشاند. بسیاری از جوانان مصروف و انقلابی در این راه تصفیه شدند. بسیاری دیگر که غرض بدین شرح افعال نفوذهای غربی مردمی را نداشتند خوداستفا کردند و خودکامان قدرت طلب روز به روز به مرکز قدرت بیشتری چنگ انداختند به نظر ما بسیاری از علکردهای اشتباه برادران پاسدار ما ناشی از ماهیت خود آنان نیست بلکه ناشی از ماهیت جنگ افروزی است که از احساسات و چنگ ابی‌الایش این عزیزان است. استفاده کرده و آنان را در جهت اهداف جنگ طلبانه و مرتجعانه خود بسیج می‌کنند. ما به خوبی شاهد بوده‌ایم که در بسیاری از نقاط از دستن از برادران پاسدار ما که بدون ارزان گونه انحصار طلبی و عوام‌فریبی‌ها عمل کرده‌اند دارای عملکردی کلا مرتجع و انقلابی بودند. اندک در پیش مردم با ناامیدی نیز روبرو شده‌اند. بنا براین در برخورد با "سپاه پاسداران" باید به این درنگی توجه کرد. در یکارچه درست سپاه نتایج از تقویت باند انحصار طلب و عوام-فرب ندارد. و نباید یکارچه نیز بدلیل واقعیت بعضی علکردهای غیر مدلی و نامصحیح، کاردرستی به نظر نمی‌رسد. از آنجا که باید قسلی

حقه، رادی الوالی الیها حقها، عزالحق بیستم، وقامت صاحب‌الدین، و عدلت معالم العدل، و جرت علی اذلاله‌السنن، فملح بئذک الزمان، و طمع بی‌فایه‌الدولة و یکت طماع الاعداء". (پس هرگاه مردم حتی را که رهبری بر گردن آنها دارد، به جای آورند و رهبران نیز حقوق مردم را بدهند، در آن صورت "حق" در میان آنان ارجمند شده و معیارها و اصول کتبها برجا می‌ماند، علائم سنگین‌های عدل برقرار می‌شود، در نتیجه روزگار مردم اصلاح خواهد شد. در این صورت است که می‌توان به بقای آنها امید بست، و طمع دشمن نیز خنثی خواهد گردید.)

همانطور که در فراز قبلی نیز اشاره شد، مناسبات بین رهبری و مردم، محوری ترین و اساسی ترین رابطه سیاسی متقابل در دوران یک نظام است که شکل‌بندی سیاسی جامعه را زمین می‌سازد و سایر روابط سیاسی داخل سیستم از آن ناشی می‌شوند (و اعظم ما فترسی سیاحت من تلک الحقوق...) اگر این مناسبات از انسجام و سلامت لازم برخوردار نباشد، مردم مناسبات متفرع از آن نیز مانند مناسبات بین ارتش و مردم، مناسبات بین حکومت مرکزی و سایر ملیت‌ها، مناسبات بین دولت و ارگان‌های اجرائی و ... درام و پایداری نخواهند داشت.

## اهمیت پایه‌های مناسبات بین رهبری و توده‌های مردم

مقاله وظیفه نیروهای متحرکی و انقلابی آن است که به هر شکلی شده از این گونه تفرقه‌ها و جدائی‌ها پیشی برده و حتی امکان باین همیشی به مبارزه بخریزند. حال در این رابطه ممکن است بسیاری لطافت و صدمات هم دیده و یا ببینند. اما همانطور که گفتیم منافع کل جنبش و انقلاب مطرح است و منافع شخصی و گروهی، از سوی دیگر ماچیزه سعی کرده‌ایم که از افتادن جنبش و نیروهای مردمی به کانال‌های انحرافی و غیر اصولی جلوگیری کنیم به نظر ما مبارزه با آمریکا این

## مناسبات بین رهبری و توده‌های مردم از دیدگاه علی (ع)

ارتباط گسست ناپذیر و ارگانیک دارد لذا کلیه هدف‌ها و اصول آرمانی که علی (ع) از آنها نام می‌برد (ارجمند شدن حق، "ببرجای ماندن اصول و معیارهای کتبی"، "برقراری نشانه‌های عدل"، "جاری شدن سنت‌ها" و...) تنها در چارچوب مناسبات متقابل برقرار می‌شود. به اجرا درمی‌آیند.

چنین نظامی به علت استحکام و انسجام درونی آن شکست ناپذیر خواهد گشت. زیرا اگر بپذیریم که عوامل خارجی به اعتبار و بر روی عوامل داخلی عمل می‌کنند، پس وقتی مناسبات درونی سالم و انقلابی باشد، دیگر جایی برای امکان نفوذ و ضرب‌زدن دشمن باقی نخواهد ماند. زیرا ضربات دشمن به اعتبارضعف‌ها، نرفتها و بی‌کفایتی‌ها و نضادهای درونی که سیستم، کارگر واقع می‌شوند.

برعکس اگر مناسبات بین رهبری و توده‌های مردم بر عاده‌ای کامل حقوق یکدیگر، مبتنی نباشد، و نسبت به حقوق یکدیگر تجاوز و تعدی پیشه کنند (و انقضت العریة و الیها، او جف‌الوالی برعیت)، در این صورت تنها ایدئولوژی و اهداف مورد نظر به تحقق نخواهند پیوست، بلکه:

"تخلفت هاشک الکلته". اختلاف کلمه بدید می‌آید. (زیرا وقتی کل سیستم روی خط اصولی حرکت نکند و مناسبات صحیح بین دستگاه رهبری و مردم برقرار نباشد، مسائل لاینحل می‌مانند و لاجرم تضادهای درونی، پراز کرده و لذا تفرقه و اختلافات داخلی بالا می‌گیرد.)

"و ظهرت معالم الجور". نشانه‌های ستم آشکار می‌شود. (تقصی شروع هر گونه ستم و هموار کننده‌ی راه تجاوزهای بدی، همین انحراف یعنی فقدان مناسبات حسنه میان رهبری و مردم است.)

"و کثر الاعمال فی الدین". و تیرنگ کاری در امر دین فراوان

## شکل و مناسبات سیاسی

شکل و مناسبات سیاسی با محتوای ایدئولوژیک و جوهر نظام کلی جامعه

شکلی مهمی که بلافاصله باسیستی خاطر نشان کنیم، این است که اگر چه در اینجا بحث ما از مقوله‌ی "مکمل" و "مناسباتی" است که می‌بایست یک "محتوای" مشخص را مشخص سازد، لیکن بسیار روشن است که برخورداری از یک مناسبات و فرم انقلابی نیز به نوبی خود، منسلط و مجهز بودن به یک دیدگاه انقلابی است. به نوبی که بدون داشتن چنین دیدگاهی، حتی در سطح یک مجموعه سیاسی ساده کوچک نیز نمی‌تواند، نظام مناسبات پایداری را که منضم منافع عینی افراد مجموعه و جهت و هدف کلی آن باشد، مستقر کرد. چه رسد به اینکه بدون دیدگاه و جهت سیاسی جامعه که مناسبات مورد نظر بسیار عالی‌تر است، از بس حل مسئله برآید.

برقراری چنین مناسباتی در جامعه، دقیقاً بستگی به توانمندی است. تئوریزی مورد نظر و اهداف و جوهر و هدف نظام کلی جامعه، و کارآیی آن در حل تضادهای موجود. به عنوان مثال هرگز نمی‌تواند در یک نظام سرمایه‌داری (اعم از کوچک یا بزرگ) که جوهر و ارزش برترین آن سود و سودپرستی است، مناسبات اصلی و پایدار برای دستگاه رهبری و توده‌ی مردم انتظار داشت. زیرا اسواری این مناسبات مستلزم تسلط مردم به عنوان شرط مقدم برای بقا و رشد سیاسی جامعه دارای چه ضرورت و اهمیت فوق‌العاده‌ای است در یک انقلاب نیز که تغییر بنیادی جامعه موضوع آن است، بدون تربت مناسبات اصلی و انقلابی میان ارگان رهبری کننده و توده‌ها، نمی‌توان به موفقیت و پیروزی درخشان امید داشت. پیوسته که مبارزه ما، مبارزه‌های مکتبی باشد و

می‌باشد، پای‌بندتر می‌شویم. وجود مردانی این چنین منظم و مقاوم، مایه‌ی مهابت و افتخار ماست و در عین حال مسئولیتی دو چندان را در برابر خلق‌مان احساس می‌کنیم، باشد که بتوانیم فرزندان متعهدی برای این پدر و برای همی پدران رنجیده و محروم کشورمان باشیم.

نامعای با امضای عباس آزادبان دبیر دبیرستان‌های آبادان خطاب به روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، وزارت ارشاد و شورای انقلاب برای ما آمده است، که سر تا پا فحش و ناسزا است و از وزارت ارشاد خواستند که "این کثافت‌نامه و مزخرف‌نامه‌ی روزنامه‌ی آمریکائی، مجاهد که پس از پیروزی انقلاب با آنکه به اربابان شقاوت پیشکش، کارگر و آریابان منتشر می‌شود، توقیف کند، و گر نه، ..."

ایشان را برای کسب موقعیت و ... که این‌ام خیلی وقت‌ها از طریق تحاشی و ضدیت با مجاهدین نام می‌شود، به جای دیگری حواله می‌دهیم.

"برادر کوچولویان! فرهاد اسفندی که گه‌ب‌بای نیز برپایان فرساده نوشته... وقتی فهمیدم جسم خواهر پروریم را در آوردند خیلی گریسه کردم که کسان می‌نواستند... امیدواریم که بتوانی در آینده که میلباشی خوب و مجاهد باشی؛ تا به وظایف انقلاب بی‌ت عمل کنی.

در رابطه با مقاله‌ی مربوط به

بقیاض صفحہ اول

## بقیاض صفحہ اول

بقیاض صفحہ اول

بقیاض صفحہ اول

بقیاض صفحہ اول

بقیاض صفحہ اول

# گزارشی از پاکسازی! در صنعت نفت

و عاملان و کارگزاران انحمارات امپریالیستی و اعلام اسامی و اخراج ساواکی‌ها و خلغ بد آنان بود. در اوایل سال ۱۳۵۸ جهت انجام و نيل اين امر مهم اقداماتی از طرف شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت و گاز و سایر صنایع نفتخیز جنوب انجام گرفت و پس از گردآوری مدارک و شواهد لازم با رئیس هیئت مدیره وقت، نژیبه و سایر سرپرستان طی جلسات متعددی لیست پاکسازی مورد موافقت قرار گرفت اما به هنگام امر پاکسازی کارکنانی شروع شد و در عمل، افراد مشمول پاکسازی مورد حمایت قرار گرفتند و عملاً از انجام پاکسازی جلوگیری شد.

پس از تشکیل وزارت نفت در مهرماه ۱۳۵۸ آقای معین‌فر با حضور اعضاء شورای مرکزی و نمایندگان مناطق نفتخیز ضمن اشاره به لزوم پاکسازی: قول‌های مساعد و امیدوارانه کننده‌ای در مورد انجام آن داد و اظهار داشت در اولین فرصت گامی برای پیگیری و تحقیق این مسئله به جنوب اعزام خواهند شد. متأسفانه قول‌های واهی و شده که اینها جز افراد مشمول پاکسازی با علم به اینکه دست‌اندرکاران وزارت نفت علاقه به انجام این امر مهم ندارند جدیداً فرموده و جان گرفتند و شروع به توطئه کردند. پس از جندی از طرف وزیر نفت نامی در این رابطه صادر و کارکنان مبارز و مسلمان و دانشور را که در امر پاکسازی دخیل بودند و خواستار عمل پاکسازی به خاطر حفظ انقلاب و رآوردن‌های آن بودند عناصر جب آمربکانی خواند و ضمن دلجویی از عناصر فاسد و خائن سعی در بی‌اعتبار جلوه‌دادن کار شورای مرکزی کارکنان صنایع نفت و گاز نمود. این اقدامات به هیچ وجه باعث دلگیری اعضا، شورآوردن نگردید. تا این‌که در اول آذر ماه ۱۳۵۸ طی نامی با شورای انقلاب -اسلامی ایران نسبت به خواسته‌های شرعی و قانونی و به حق کارکنان بافشاری نمود. مسئولین امر ضمن تعجب از عدم اقدامات در صنعت نفت قول‌های مساعدی در این زمینه دادند و بالاخره در اواخر آذرماه ۱۳۵۸ از طرف دادستانی کل انقلاب ایران، شخصی به نام دکتر حیدری به عنوان نماینده‌ی نام‌الاعتبار دادستانی در صنایع نفت، مأموریت یافت امر پاکسازی را به انجام برساند.



دکتر حیدری که خود را معاون دادستانی کل انقلاب و نماینده تارال‌اخیر دادستانی کل برای امور پاکسازی در صنعت نفت معرفی می‌نمود در تماس با شورای صنعت نفت خود را مشاور حقوقی شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران معرفی نمود و خود را منسب به شخصیت‌های مورد اعتماد مردم می‌دانست، او برای جلب شورا صریحاً اظهار می‌کرد که «همیشه با غسل شهادت از خانه بیرون می‌آید!» پس از این مقدمه شورای اسلامی صنعت نفت پرونده‌ی حدود ۱۰۰ نفر از افراد مشمول تصفیه را به او تسلیم نمود. دکتر حیدری ضمن نگاه از شورا مدعی بود که از صنعت نفت‌های نرفری جنوب حداقل یک‌هزار نفر می‌بایست مشمول پاکسازی قرار گیرند. ایشان برای جلب اعتماد بیشتر شورا بدون مقدمه و با مخمض نگاه‌ی به تینتر پرونده‌ها و نام شورا دستوراتی مبنی بر قطع حقوق و مزایا، احضار به دادستانی، بازداشت و حتی زندان برای افراد مشمول پاکسازی صادر نمود این مأمور را چنان با مهارت انجام داد که اعتماد هرکس را به خود جلب نمود. این مأمور فقط یک‌ماه به طول انجامید و پس از آن دکتر حیدری شروع به تیرشی دهنه دست‌های خائنین نمود

## در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

**پلغمور اسم بزرگداشت**  
**مجاهد شهید رضاشائی**

**لاهیجان**  
در تاریخ ۲۵ خرداد، بنا به دعوت انجمن جوانان مسلمان لاهیجان، قرار بود مراسمی، بمناسبت هفتادین سالروز شهادت مجاهد شهید رضاشائی و بزرگداشت شهدای اخیر سازمان مجاهدین خلق ایران، در میدان ورزشی این شهر برگزار شود که در آن، برادر مجاهد منصور بازرگان و مادران مجاهدین شهید محمود عسکری‌زاده و محمد درزایی، سخنانی ایراد کنند. اما مراجعی مکرر مسئولین انجمن برای دریافت اجازه‌ی کمی اجرایی مراسم، به فرمانداران یا توجیحی فرماندار و عدم پذیرش آنان بدون نتیجه ماند.

از آنجائی که قبل از شروع مراسم، تعداد زیادی از عناصر معلوم الحال با دو مینی‌بوس از اطراف وارد لاهیجان شدند، به منظور جلوگیری و خنثی کردن هرگونه توطئه اغتشاشی و درگیری، با وجودی که بیش از ۵ هزار نفر از مردم لاهیجان و شهرها و روستاهای اطراف برای شرکت در این مراسم آمده بودند با قرائت اطلاعیه‌های مراسم لغو گردید. در این اطلاعیه علت برگزار نشدن مراسم، دفع الوقت فرماندار و توطئه‌چینی‌های وابستگاران ذکر شد و نیز از مردم خواسته شد بدون تاخیر به آرامی محل مراسم را ترک کنند و بیانه‌های بدست توطئه‌گران ندهند. ضمناً در این رابطه انجمن جوانان مسلمان لاهیجان اطلاعیه‌ای منتشر کرد که در آن ضمن سیاست‌گذاری از شرکت‌کنندگان در مراسم و محکوم کردن سگان‌اندازی مقامات، یادآوری کرده‌ایست که لغو مراسم برای خنثی کردن هرگونه توطئه‌ی احتمالی صورت گرفته است. همچنین در آن سولاتی از مقامات مسئول شدت است از خطه آمده‌است: "آقای فرماندار، مردم از خود سؤال خواهند نمود که فرماندار لاهیجان چه ضمیمی با شهدا و بالخصوص مجاهد شهید رضاشائی دارد؟ مگر رضاشائی مسلمان انقلابی است که در راه آرمانهای توحیدی خود قهرمانانه به شهادت رسید، نبود؟ کدام ایرانی است که حساسی جاویدان رضائی‌های شهید را در دوران سکوت و خفقان زندیده‌باشد؟ پس چرا نباید اجازه‌ی رسمی برگزاری مراسم بزرگداشت آنها داده‌شود؟"

**پیشاپه برانکتی علییه**  
**مجاهدین**  
**ارومیه**  
در تاریخ ۳/۲۵ فرد ناشناسی که خود را "جنسی" معرفی می‌کرد، به سینما نیاکارا و سیاه پاسداران ارومیه تلفن زده و اطلاع داد که "در سینما نیاکارا بمبی کار گذاشته‌ام که تا چند دقیقه‌ی دیگر منفجر می‌شود." پس از تحقیقات لازم و پارسی محل توسط پاسداران، معلوم شد که این خبر جز یک شایعه برانکتی علییه مجاهدین جنین دیگری نبوده‌است و در ردیف همان توطئه‌ها و شایعه‌ها برانکتی‌ها کیست که برای مسوم ساختن اذهان توده‌ها نسبت به مجاهدین خلق و مسمی انقلابی آنان صورت می‌گیرد. لازم به یادآوری است که عیناً همین دروغ‌پردازی روز قبل (۳/۲۴) نیز انجام شده بود.

**پنج‌حمايت مردم "پره‌سرا"**  
**شهردار خود**  
**رضوانشهر:**  
در تاریخ ۳/۲۴ اهالی "پره" -سر از نواح رضوانشهر طی طوماری نمود بدون ايجاد هيچگونه تشنجی در صنعت نفت از مقامات مسئول و از جفا قانونی این مسئله را بی‌گیری نماید ولی تاکنون ترتیب اثری به آن داده‌شده و نامبرده تا این لحظه از کارگزاران دادستانی انقلاب می‌باشد و همچنان به کار خود مشغول است.

۳- مطابقت دستخط دکتر رهنا هزاوه‌ای با دستخط دکتر حیدری و وجود تطبیق مینی بر شرکت در مراسم بزرگداشت روز فرخنده‌ی ششم بهمن. پس از بررسی بیشتر آشکار شد که دکتر حیدری همان دکتر مهدی رهنا هزاوه‌ای است که پرونده‌ی سواستفاده دستخط فاطمی و شرکت ران وی دخیل بود و اکنون با نام دکتر حیدری و نام اصلی نمانیده دادستان کل انقلاب و سواستفاده از این امر دستور برات دکتر فاطمی و شرکت رانوی را صادر نموده است پس از بررسی بیشتر بدست آوردن مدارک بیشتر، آشکار شد که نامبرده فردی صالح، کلاهبردار و کلاه‌ساز بوده که شکایات فراوانی از کلاهبرداری‌هایش مربوط به شهسارآراک و شهرداری آن قبل از انقلاب شده است. ضمناً نامبرده میادرت به کشیدن چک‌های بی‌محل نموده است و یک مورد آن چکی به مبلغ ۱۰۴۵۰۰۰۰ ریال می‌باشد. بر این اساس تحقیقات مربوط به کلاهبرداری‌های دکتر رهنا

با ۳۰۰ امضا حمایت و پشتیبانی خود را از "هزبر بواریک" شهردار "پره سر" در برابر توطئه‌های فتودال‌ها و ایادی آنها اعلام کردند. وی پس از قیام به دنبال فعالیت‌های انقلابی و مردمی‌اش در دوران انقلاب از طرف اهالی به عنوان شهردار انتخاب شد. او عده‌ای از فتودال‌ها و ایادی‌شان را که در رژیم گذشته رهبری چاقاداران را بر علیه مردم مبارز "پره سر" برعهده داشتند، دستگیر و به تهران فرستاد.

اما پس از چند ماه آنان از زندان فر آزاده شده و اکنون در ادامه اقدامات ضد مردمی خود برای برکناری وی، که به دلیل خدمت صادقانه، از محبوبیت زیادی در بین اهالی برخوردار است و مورد حمایت و پشتیبانی آنان قرار دارد، تلاش می‌کنند.

**پروما سم بزرگداشت چهلم**  
**مجاهد شهید سیاوش شمس آبادان:**  
عصر روز ۲۶ خرداد، مراسم چهلمین روز شهادت برادر مجاهد "سیاوش شمس" در جردان انقلابی ارتش که چهل روز پیش به‌دست عوامل ارتجاع در اسفهان به‌شهادت رسید، در خاکستان (پشتان) آبادان برگزار گردید. در این مراسم، پس از تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید، شهادتنامه‌ی یکی از برادران خوانده شد. نگاه یکی از مادران عضو انجمن مادران مسلمان سخنرانی ایراد کرد و طی آن ضمن اشاره به زندگی مجاهد شهید سیاوش شمس و مجاهد شهید برگرد مجیب به برکت انقلابی ارتش درود فرستاد. همچنین خطاب به مطبوعات، قدرت خواست کرد که خون سیاوش شمس را به عنوان شهید مطبوعات آزاد با حفظ حرمت قلم و دفاع از آزادی، گرامی بدارند.

**پرسرقت ۷۰۰ نسخه**  
**نشریه‌ی مجاهد**  
کرج:  
در تاریخ ۳/۲۶ یک‌کسی از هواداران حین توزیع نشریه‌ی مجاهد بین فرودستگان نشریه توسط ۶ نفر از اوبان محاصره شده و بدین‌آهنگ ۷۰۰ عدد نشریه‌اش توسط آنها به‌سرتی می‌رود. سردمدارها همچنین فردی شناخته شده است که قبلاً نیز چندین بار نشریات مجاهد را از دک‌روزنامه فروشی به سرقت برده و روز قبل از این هجوم نیز فرد هوادار را تهدید کرده‌بود.

بدنبال این جریان، شکایت‌نامه‌ای از طرف برادر مجاهد تسلیم شهربانی کرج شد.

نمود بدون ايجاد هيچگونه تشنجی در صنعت نفت از مقامات مسئول و از جفا قانونی این مسئله را بی‌گیری نماید ولی تاکنون ترتیب اثری به آن داده‌شده و نامبرده تا این لحظه از کارگزاران دادستانی انقلاب می‌باشد و همچنان به کار خود مشغول است.

**کلیه‌های مالی خود برای سازمان**  
**مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۱۳۰۰ بانک صادرات شمسی شماره ۴۵۹ واقع در پنج شیران واریز نمایند، و حواله آن را به صندوق پستی تهران ۱۶- شماره ۶۴/۱۵۵۱ ارسال نمایند.**

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال اول

آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱